

فن تدبیر منزل یا هنر کتخدایی و خانه‌داری

افلاطون در کتاب نوامیس جسته‌گریخته از مسائلی این فن سخن داشته‌است^۱ و گزیده‌ای از سخنان وی را در تلخیص نوامیس فارابی^۲ و گزیده دیگران به عربی در سه مقاله^۳ می‌بینیم.

ارسطو در کتاب نخستین سیاست از سروری و بردگی و کسب و بدست آوردن روزی و دادوستد و بازرگانی و پول و فرمانروایی پدر و شوهر و پرستار گفتگو کرده و در پایان فصل دوم کتاب هفتم نوید داده‌است که درباره این که چگونه می‌توان بردگان را بکار گمارد و چرا باید بدانها گفت که به پاداش کاری که انجام می‌دهید آزاد خواهید شد.^۴ در جای دیگر گفتگو خواهد کرد. این نوید را گویا او با نگارش رساله اویکونومیکوس کتخدایی یا خانه‌داری به انجام رسانده‌است.

از این رساله دو فهرست دیوگنوس لائرسیوس در سرگذشت ارسطو (ش ۲۳) و در فهرست گمنام که گویا از هسوخیوس ملیتوسی باشد (ش ۱۷) یاد شده‌است ولی در فهرست بطلمیوس خنوسی که ترجمه عربی آن در مجموعه شماره ۴۸۳۳ ایاصوفیا

۱- برای نمونه بنگرید به کتاب ۶ بند ۷۷۲ تا ۸۷۴ درباره زناشویی و کابین و مهمانی و خانه زن و شوهر و بردگان و ساخته‌نما و سالهای پس از زناشویی و هوسها و خواهشها و زادن فرزند و کتاب ۸ بندهای پایان آن درباره کشاورزی و حمل و نقل و پیشه و خرید و فروش بهره‌های زمین و مسکن.

۲- ص ۶۰ و ۱۶۵ افلاطون فی‌الاسلام و جاهای دیگر در مقاله ۵۴.

۳- افلاطون فی‌الاسلام ص ۲۲۸.

۴- درباره رفتار پرستار با برده نیز بنگرید به سیاست، بند ۱۲۶۹ ب ۷ تا ۱۰.

۵- افلاطون در نوامیس (۶: ۷۷۷ و ۷۷۸) از آزادی برده یاد کرده‌است.

زبرگهای ۱۰ تا ۱۸) با عنوان «فهرست کتب ارسطاطالیس و سیرته» و «مقالة لبطلمیوس و فیها وصیة ارسطوطالیس و فهرست کتبه و شیء من اخبارهانی غاس» هست و قفطی و ابن اصیبعه از آن بهره برده‌اند نیامده‌است و ابن ندیم نیز از آن یاد نکرده‌است. کندی در «رسالة فی کمیة کتب ارسطوطالیس» و فارابی در «فلسفه ارسطوطالیس» و «احصاء العلوم» و ابن هیثم در «مقالة ماصنعه و صنعه من علوم الاوائل» از آن نامی نبرده‌است. ابن هندو در «رسالة المشوقة یادی از آن کرده و مشکویه رازی در ترتیب السعادات گفته است که «تدبیر المنزل» به عربی در نیامده‌است. عامری نیشابوری در «السعادة و الاسعاد» (ص ۳۵۰ و پس از آن) مباحث تدبیر منزل گذارده و در رسائل اخوان الصفاء (۱: ۲۰۹ و ۴: ۲۹۸) جامع العلوم امام رازی ساخته ۵۷۴ (دانش ۵۳) و لطائف الحکمة ارموی (قسم دوم باب سوم) بروش مذهبی و در لب الالیاب فی الاخلاق از قاضی عضد ایجی مقاله سوم^۱ و نفائس القنون شمس الدین محمد آملی (فن ۲ مقاله ۱ قسم ۲) که باید از مقاله دوم اخلاق ناصری خواجه طوسی گرفته باشد و او هم از رساله سیاست ابن سینا و تدبیر المنزل بروسن گرفته‌است هم این فن دیده می‌شود. خواجه طوسی در اخلاق ناصری (فصل ۱ مقاله ۲) می‌گوید که این فن از یونانی به عربی در نیامده مگر مختصری که از بروسن در دست هست و متأخران خود بدان سر و سامانی داده و پاکیزه‌اش ساختند و خواجه رئیس ابوعلی ابن سینا رسانه‌ای در این زمینه دارد که گزیده آن را می‌آوریم. گویا ترجمه‌ای گزیده از تدبیر منزل ارسطو در دست بود که ابن سینا و دیگران از آن بهره برده‌اند رساله‌ای که اینک خواهیم دید از «کتاب الثمار الطیبة و الفلسفیه» ابوالفرج ابن انطیب عراقی نستوری (در گذشته ۴۳۵) روزگار ابن سیناست که دو نسخه از آن در دست هست یکی از آنها در فهرست دانشگاه قدیر یوسف بیروت (۳/۲۲) و دیگر در فهرست درنبرگه برای اسکوریال مادرید (ش ۸۸۸/۱۱) یاد شده‌است. عبدالرحمن بدوی در «مخطوطات ارسطو فی العربیة» (ص ۳۸ و ۶) و *La trans mission de la philosophie grecque au monde Arabe* (p. 84)

ینداشته‌است که «مقالة فی التدبیر» ترجمه ابوعلی عیسی بن اسحاق بن زرعة نسخه

۱۳۲/۱۷ عربی پاریس نوشته ۱۰۳۹ که در مقالات فلسفیه قدیمه چاپ ۱۳۱۱ (۵۰-۵۲) دیده می‌شود همان تدبیر المنزل نسخه اسکوریال است و شماره آن را ۸۷۳ نوشته است با این که شماره درست آن ۸۸۳ کاسیری است که همان ۸۸۸ در نیورگک باشد و این دو رسانه هم دوتا است و از دودانشمند ترسای عربی زبان .

من دو نسخه اسکوریال و بیروت را ندیده‌ام و آن را در اینجا از روی نسخه‌های شماره ۴۱۱ کتابخانه ملی ایران (فهرست فیلمها ۱: ۷۳۸: ۳/۲۸۷۶) نوشته روز چهارشنبه ۱۹ رجب ۱۳۰۴ برای نصیراندونه و شماره ۲۸۱۳ کتابخانه فرهنگ اصفهان (فهرست فیلمها ۱: ۷۱۰: ۹/۲۵۲۳) گویا نوشته ۱۰۷۲ و ۱۰۷۳ در اینجا آورده‌ام و چون هر دو نسخه درست نبود ناگزیر شدم روش گزینشی پیش‌گیرم و یکی دو جا را هم نتوانستم درست بخوانم امید که در آینده بتوان به نسخه‌های بهتری دست یافت و آن را تصحیح کرد. درباره ابن الطیب در المخطوطات العربیه لکته النصرانیة (ص ۲۲) و درباره ابن زرعه در همین جا (ص ۸) و در فهرست نسخه‌های خطی عربی مسیحی پاریس از تروپو G. Troupeau چاپ ۱۹۷۲ ص ۹۷ گفتگو شده است .

بروکامن نیز از رساله ابن الطیب یاد کرده است (۱: ۸۲۰: ۴ و ۸۸۴: ۲) در اربع رسائل اقدماء فلاسفة اليونان چاپ ۱۹۲۳ تدبیر المنزل بروسن آمده^۷ و از تدبیر المنزل ارسطو که همین رسانه ابن الطیب است جستجو شده است . در رسائل غیر منشوره لقدماء فلاسفة الاسلام چاپ شیخو در ۱۹۱۱ دور رساله سیاست ابن سینا و فارابی و وصیة افلاطون فی تادیب الاحداث ترجمه اسحق بن حنین آمده است و من در هنگام تصحیح این متن به همه اینها هم می‌نگریستم .

رساله‌های بروسن و ابن سینا به این رساله بسیار نزدیک است ولی رساله سیاست فارابی چندان پیوندی با آن ندارد . رساله دیگری در سیاست از ابوالقاسم حسین بن علی مغربی وزیر اسماعیلی در گذشته ۴۱۸ (چاپ ۱۹۴۸ مصر) در دست داریم که بسیار نزدیک به رساله ابن سیناست .

۷- بندی از کتاب بروسن با عنوان «فصل فی تادیب الاحداث والصبيان خاصة» در تہذیب الاخلاق مشکوٰۃ

رازی آمده است (چاپ زریق در بیروت در ۱۹۶۶ ص ۵۵ و ۲۲۸) .

پندنامه‌ای از یحیی بن حسن شاشی به فارسی هست که در آن از تدبیر منزل به روش مذهبی اسلامی نه‌یونانی بحث شیوا و گیرایی شده است.

عنوانهای آن در این کتاب چنین است: باب رب‌البیت و ذکر الاولاد والعیال، باب الکدخدایی، باب صفة النساء، باب حق‌انزوج علی‌المرأة و حق‌المرأة علی‌انزوج، باب اخلاق الرؤساء، باب الحمام و صحبت کردن با زنان، در پایان کتاب که به شماره ۲۱۳۲ ربعی شرقی در برلین (فهرست ۱۵: ۲۶۰) فیلم شماره ۵۹۵ دانشگاه تهران.

باری تدبیر منزل ارسطو در سه کتاب است و آنچه ابن‌الطیب گزیده کرده از کتاب نخستین است و من با نگاه به ترجمه فرانسوی آن از تریکو J. Tricot چاپ ۱۹۵۸ توانستم آن را تصحیح و بخش‌بندی کنم. در دیباچه این ترجمه فرانسوی چنین آمده است:

کتاب نخستین آن به گواهی دیوگنوس لائرسیوس و هسوخیوس ملیتوسی در دو فهرست خود که باید از سخن اریستون کنوسی گرفته باشند بسیار کهن است و نباید از ثئوفرسطس و اودموس یا مشائی دیگر باشد. این کتاب با بندهایی از سیاست ارسطو (کتاب ۱ فصل ۲-۱۲) برابر و مانند تدبیر منزل گزنوفون در آن از اقتصاد خانگی گفتگومی‌شود، با نوامیس افلاطون (مانند بندهای ۷۷۷-۷۷۸ کتاب ۶) هم پیوستگی دارد و گویا دنبانه سخنانی که ارسطو در سیاست به اجمال برگزار کرده است در آن گرفته می‌شود. پس شاید بتوان گفت که از خود ارسطو است. در این زمینه می‌توان به فهرستهای کهن نگارشهای ارسطو از Paul Moroux چاپ ۱۹۵۱ اوون (ص ۴۱ و ۲۳۸) هم نگاه نمود.

کتاب دوم آن درباره ثروت و مال‌اندوزی است. در دو فصل که چندان با هم پیوندی ندارند و مانا دوتن آنها را نوشته‌اند و گویا هم از ارسطو نباشد و شاید در سده سوم به نگارش درآمده است و گویا در تدوین آن از سخنان ارسطو بهره برده باشند.

کتاب سوم آن از پیوند زن و مرد سخن می‌دارد و مانا دنباله فصل ۲ و ۳ کتاب نخستین باشد و تنها ترجمه لاتینی آن به چند تحریر در دست هست و از این زبان به زبانهای دیگر درآمده است و گویا اصل یونانی کهن و دیرینه باشد و از خامه يك مشائی پس از مرگ ارسطو و بخشی از آن هم از خامه يك فیلسوف رواقی روزگار امپراطوری رم در سده دوم یا سوم مسیحی و بسیاری از دانشمندان اروپا آن را در مجموعه آثار

ارسطو نگذارده اند.

كوتاه سخن این رساله عربی كه گزیده مانندی است از كتاب نخستین اویكونومیکوس ارسطو در شش بند یا فصل است چنان كه می بینیم و در جایی نخوانده ام كه به چاپ رسیده باشد. شایسته دیدم كه متن آن در این مجله دیده شود تا شاید دوستاران فلسفه مشایی را بكار آید.

نهار مقاله ارسطو طاليس في تدبير المنزل

I

الفرق بين السياسة المنزلية والسياسة المدنية مماثل للفرق بين المنزل والمدينة، فالمنزل ذورياسة والمدينة ذات رياسات كثيرة. فتدبير المنزل انما يتم بالسياسة المنزلية حسب، والمدينة تتم بالشريعة والسياسة. والسياسة تختلف بكثرة الصناعات والنظامات. ومن الصناعات ماتستعمل موضوعها (موضعها) ولا تعمله كصناعة الزمر وآلات الفناء، ومنها ماتعمل وتستعمل. ومن جملة هذه الرياسة المدنية، فانها تحدث النظام وترجع فتستعمله للانتفاع به. والرياسة المنزلية لعمل سياسة المنزل و ينتفع به، والرياسة المدنية تكون على مدينة يضمها المنازل وكورها وضيعاها. وثبات النظام في جميع ذلك على نسبة لتحسين الحياة وتطيبها. فان لم تقو على ذلك، نشئت ماكانت تجمعه وتعجل فساده، ولان الجزء يتقدم الكل فالكل مركب من اجزاء كثيرة، مايتقدم انظر في السياسة المنزلية على السياسة المدنية.

II

والمنزل يتم بسكان وقنية. واول حاجاته المرأة والثور الحراث. فانشور الحراث مبدء علة الغذاء، وبالمرءة يحفظ الخزينة لان بها يتم الصيانة وحسن المعاونة. و اول العناية ينبغى ان يقع بالفلاحة، ثم بالمعادن الارضية. فالفلاحة ابين الغذاء، و ثمار الفلاحة لا

يخرج طوعاً من نفسها من دون عناية منا ولا باكراه لها. وغذاء اكل اصله الارض ويسمى ام الكلب بالطبع. والفلاحة ايضاً ينفع فيها القوة، لانها لاتعانى كما تعانى باقى الصناعات بالأيدي وحسب، تكن وباجتهاد جميع الجسم تقوى ناهضة فيه، ولأن ثمار الفلاحة كثيراً ما اذا اختزنت يهلك، فهذا يجب ان تقع العناية بالفلاحة ، كيما يستمد منها عوض الهالك .

III

والناية بالمرأة لأن الذكر والأنثى مشتركين بالطبع فى المعاونة والايلاذ ، و كل منهما يشتاقت صاحبه طبعاً. ومثل ذلك يوجد فى ساير الحيوانات، ولا يوجد احدهما من دون الآخر. فلمحبة أو جود يطلب كل منهما الآخر طبعاً. واهذا ما يشتركان الحيوانات يطلب طبع التاليد بالإشتراك الذى بين الذكر والأنثى. فاما الانسان فبالعقل والفكر ، بضيف الى اشتياق طبع التاليد حسن المعاونة على الحياة. ولا يقتنى الاولاد لاتباع الطبيعة حسب، بل يقتنيهم للانتفاع بهم عند ضعف قوته وضعف حانه، واهذا يحن عليهم عند التربية وبعدها التربية. والطبيعة تخاف ان شخص من الشخص ليدوم بقاء النوع. ومع اشتراك الذكر والأنثى جعل الخالق تعالى حالهما متضادة، حتى يتوافقا فى الافعال، بل ينطاع الاضعف للاقوى. فالذكر ذونجدة والأنثى ذات جبن ؛ وذلك يجمع ما هو خارج المنزل، وهذه تحفظ ما فى المنزل؛ وذلك يقوى على السعى خارجاً، وهذه تقوى على سعى الخدمة داخل؛ وذلك يصححه الخربة ويسقمه الدعة، وهذه باضد. والأنثى مخصوصة بالولاد والتربية، والذكر مخصوص بالتاديب والتقويم، ومنفعة احدهما بالآخر مشتركة .

IV

والشروط للمرأة على الرجل اولا يجتنب ظلمها، كيما تتجنب ظلمه، ليكون السنة (النية) بينهما عامة مشتركة. وظلمها ايثار غيرها عليها واحسان عشرتها فى الحضور والقبية. فهذا يتم التحاب بينهما. فاما زينتها فقبيح ان يكون مفرطة، لان نسبة الزينة فى الاجسام نسبة المداحاة فى الاخلاق. وكما ان هذه قبيحة فتلك ايضاً. ومراعاة الزينة تنافى مودات النفس، والواجب اطراحها الى طلب ما تتشارك فيه النفوس فى المودة .

V

ثم قنية العبيد للاستخدام فى الامور الداخلة والخارجة. ومن العبيد من يوكل وهذا يأمر، ومنهم من يستخدم وهذا يؤمر. و من المستخدمين من عمله صعب^٩ واهذا يجب ان يوفر عليه الغذاء. ولا يجب ان يعاشر الخدم بالفاظه والافتراء ولا بالاهمال ولا يعودون المدعة المفرطة. والرؤساء منهم يوفر عليهم الاكرام ويوفر على المستعملين الطعام. ولا يسقون النبيذ الا قليلا، لانه يغير الاخلاق المحموده فيجعلها مذمومة. وكان بعض الملوك يمنع شربه فى المساكر. يتعلق بالعبيد استخدام وتاديب واشباع. فالإشباع مع ترك الاستخدام والتاديب يطره. والإستقصاء فى الاستخدام والتاديب ومنع الغذاء صعب. فيجب ان يؤخذوا بالاستجمام، ويوسع لهم الغذاء. فالمستعمل لغير اجرة كافية غير منصف، واجرة العبيد الغذاء. وكما ان مجازاة الأحرار على الأفعال المحموده تصاح، كذلك مجازاة العبيد على الاستخدام، ويفقدهم بالكسوة والغذاء والراحة والمراعاة بالأدب، ويستعمل ذلك معهم بقدر استحقاقهم قولا وفعلا مع فكر وتمييز كما يفعل الطبيب فى اعطائه الدواء بقدر العلة. ولا ينبغى ان يكون العبد المستخدم لاجبانا ولا شجاعا، بل متوسطا، لان الجبناء لا صبر لهم، والشجعان لا خضوع لهم. ويشوقوا بالعتق، ليحرصوا على العمل، ويصبرون فيه لنوايب الدهر. ويوعدوا بالتزويج ويلوح لهم الاسباب التى يلتذون بها. واكثر الاذخارات هى لمصلحة الخدم، لان حاجة المستخدم اقل من حاجتهم.

VI

ومدبر المنزل يحتاج الى اربعة اشياء:

- ١- ان يكون له قدرة على اقتنائه.
- ٢- ثم حفظه، فلا منفعة فى جمع مالا يحفظ، ويكون مثل من يفعل هذا مثل من يطرح الماء فى جرة مثقوبة الاسفل.
- ٣- ويتقوى به
- ٤- ويلتذ بشئ^{١٠} منه، فلهذا احتيج اليه.

٩- ص: صعبا

١٠- ص: شئ

ويقتنى من المال المثمر اكثر من غير المثمر، حتى لا يؤثر فيه الانفاق ولا يستأصل بالخرج. ويستودع ويخزن لمن نه قوة على اثماره، حتى ان ضاع منه وقع الاخلاف له. وخزائن المال ينبغي ان يكون صفارا ليتمكن صاحبه من مراعاتها في كل وقت. والمراعات نافعة في الحفظ. وعلى الرجل ان يراعى بعض الاشياء، وعلى المرأة بعضها. كما ان بعض آلة المنزل للمرأة وبعضها للرجل. ويفقد ما يتفقد في المنازل الصغار بخلاف ما يتفقد في المنازل الكبار. فما في المنازل الكبار يعجز قدرة اهله عن حفظها فيفوضون ذلك الى قوام عليها، يجرون مجرى ارباب المنازل في الحفظ. ويجب لأرباب المنازل ان يحدوا نهم في ذلك حدا يتشبهون بهم فيه. ومن المنافع في تدبير المنزل ان يكون ارباب المنازل ينتهون من النوم قبل العبيد وينامون بعدهم، حتى لا يخلوا العبيد بالمنازل. ولا يتركوا ايضا المنازل عند النوم بغير حارس، كما يفعل في حراسة المدينة ليلا ونهارا. ويكون حفظ المنزل ليلا اكثر، فان ذلك اولى بالحكمة في تدبير المنزل، واجود في بقائه على ائسلامة. والمنازل الصغار يعدلها بمقدار حاجتها، والمنازل الكبار يعدلها ذلك، ويوزع على اهلهما توزيعا سنويا وشهوريا. ولا ينبغي ان تدفع الاواني التي يحتاج الى استعمالها في كل يوم الى القوام دفعة واحدة بل شيئا بعد شيء. ويراعى ذلك ليعلم انساله من الهالك ويراعى العبيد بما يؤدي الى صحتهم كالحجامة وغيرها، ويدفع اليهم مبالغ حاجاتهم من الاغذية والكسى وسائر ما يصاح لهم. ويراعى امر الخدم باسرههم الاحرار منهم والعبيد والنساء والرجال والفتيات والحضر والدواب. وتكون الكساء كثيفة في الشتاء رقيقة في الصيف. ويراعى امر ادامهم ليكون غذاؤه قويا. ويختار للمنزل بوابا من افضل الخدم واشدهم تيقظا، فهو الحافظ للدار باسرها. ويختار اصلح الاواني وابقاها على الاستعمال. ويكون كل صنف معلوم الموضع حتى لا يتطلب عند الحاجة، بل يكون عبيد. فاعلم ذلك ان شاء الله تعالى. تمت مقالة ارسطوطاليس بحمد الله والمنه.